
رنالیسم روش شناختی در جامعه‌شناسی

دکتر مسعود چلبی
گروه جامعه‌شناسی

مقدمه

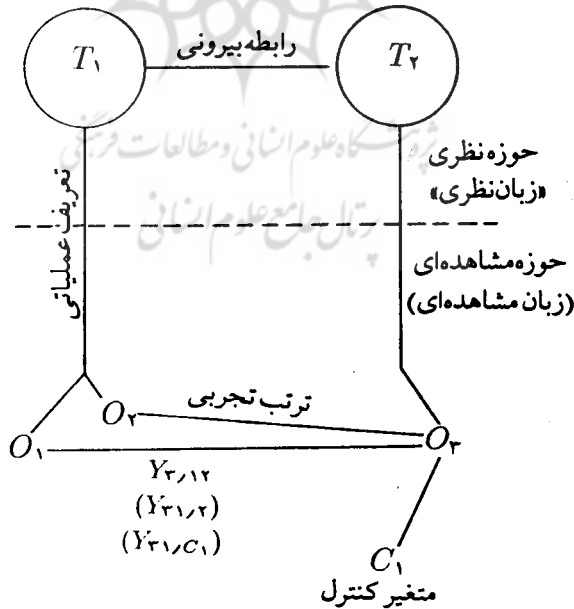
در دهه ۱۹۷۰ رنالیسم در ادبیات فلسفی توسط فیلسوفانی نظیر بسکار (۱۹۷۸)، هاره و سکورد (۱۹۷۲)، هاره (۱۹۷۹)، هسه (۱۹۷۴) و دیگران تجدید حیات یافت. بدنبال این تجدید حیات رنالیسم بعنوان یک نظریه روش شناختی در فلسفه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی توسط کسانی مانند کیت واور (۱۹۷۵)، رایت (۱۹۷۸، ۱۹۷۹) آت ویت (۱۹۸۳)، پاسون (۱۹۸۹)، فارارو (۱۹۸۹)، سایر (۱۹۹۲) و دیگران بعنوان یک آلترناتیو روش شناختی مطرح گشت.

این مقاله برآن است تا رنالیسم روش شناختی در جامعه‌شناسی را در ابعاد الگوی رنالیستی علم، الگوی توضیح رنالیستی، الگوی معنی، الگوی تأیید، الگوی کنترل و الگوی تولید داده باختصار معرفی و بررسی نماید. برای این منظور لازم است در ابتدا نگاهی گذرا نسبت به روش غالب در جامعه‌شناسی تجربی و انتقادات وارد بر آن داشته باشیم. سپس ضمن معرفی رنالیسم روش شناختی در ابعاد فوق‌الذکر، واکنش این نظریه نسبت به انتقادات مطروحه مربوط به روش غالب در جامعه‌شناسی تجربی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

مرور روش غالب

طبق روش غالب در جامعه‌شناسی تجربی، اولاً تئوری تشکیل شده از دو یا چند قضیه مرتبط بهم که هر کدام از این قضایا روابط مشروط بین متغیرها را مطرح می‌نمایند. در همین جا لازم است مکت شود تا ببینیم که منظور از این رابطه چیست. منظور از این رابطه، نوعی باصطلاح رابطه بیرونی (external relationship) بین متغیرها یا حوادث است که حاوی نوعی ضرورت منطقی (Logical necessity) است و نه ضرورت طبیعی (natural necessity) (سایر ۱۹۹۲). بعبارت دیگر این روش بدنبال طرح و بررسی ترتبات تجربی (empirical regularities) یا به بیان فلسفی ترتبات هیومی (Humean regularities) است.

این دیدگاه تحت تأثیر پوزیتویسم قائل بدو نوع زبان است. یعنی زبان نظری که حاوی واژه‌های تجربیدی و نظری است که محقق هیچگونه تعهد هستی‌شناختی نسبت به آنها ندارد. زبان دیگر، زبان مشاهده‌ای است که حاوی واژه‌های انضمامی است. (شکل ۱)



شکل ۱ - الگوی روش غالب

روش غالب، در مقایسه با زبان نظری، برای زبان مشاهده‌های قائل به مزیت وجودشناختی و معرفت‌شناختی است، چرا که داور نهایی برای تأیید یا ابطال نظریه مشاهده است و وسیله ارزیابی تیر زبان مشاهده‌ای است (کیث و اوری ۱۹۷۵). دو زبان براساس تعریف عملیاتی بیکدیگر وصل می‌شوند، و با استفاده از جانشین‌های تجربی یا معرفهای تجربی عمل مشاهده و سنجش صورت می‌گیرد (بیلی ۱۹۷۸، والانیرر و ونیر ۱۹۷۸، نومان ۱۹۹۱). بالاخره در تحلیل داده، جهت منزوی کردن متغیرهای اصلی و جدا کردن اثر ناخواسته متغیرهای مزاحم روش کنترل عموماً بصورت آماری مثل تحلیل چند متغیری (تکنیک‌های مختلف) و یا بصورت روش آزمایشی انجام می‌شود. بدین ترتیب روابط باصطلاح بیرونی یا به‌دیگر سخن روابط منظم تجربی بین متغیرها مورد بررسی تجربی واقع می‌شوند (فارارو ۱۹۸۹، سایر ۱۹۹۲).

انتقادات به روش غالب

در ادبیات روش‌شناسی ایرادات گوناگونی نسبت به روش غالب در جامعه‌شناسی تجربی صورت گرفته است. انتقادات اغلب از سوی کمپ هرمونیک (منظور از کمپ هرمونیک در اینجا پدیدارشناسی، یک گرایش خاص از تعامل‌گرایی نمادی به نمایندگی بلومر و همینطور نظریه انتقادی می‌باشد) مطرح شده است (فای ۱۹۷۵، کیث و اوری ۱۹۷۵، آت ویت ۱۹۸۳، پاسون ۱۹۸۹، نومان ۱۹۹۱، سایر ۱۹۹۲).

قبل از طرح فهرست‌وار بعضی از این انتقادات، لازم است به دو نکته اشاره شود: اول اینکه این انتقادات اغلب قابل تأمل هستند، دوم اینکه با وجودی که این انتقادات قابل توجه هستند لکن به نظر می‌رسد که کمپ هرمونیک خود نتوانسته است آلترناتیو مؤثری که قابل دفاع باشد ارائه نماید. اما اجازه دهید ببینیم این انتقادات چیستند و چه ادعایی دارند.

۱- سنجش بی‌ربط است. بی‌ربطی سنجش ناشی از عدم تشخیص اهمیت ارزش‌ها و معانی فرهنگی و زبان طبیعی است. یعنی در استفاده از مفاهیم و استاندارد کردن ابزارهای سنجش، اغلب نظام‌های معنی و ارزشی مورد توجه محقق

قرار نمی گیرد. بعبارت دیگر معنی و اهمیت هر حادثه، کنش یا گرایش وابسته به فهم پدیده‌ای است که در یک زمینه خاص فرهنگی صورت می گیرد. لذا این ادعا مطرح شده است که سنجش جامعه‌شناختی اغلب معنی و منظور کنشگر و زمینه فرهنگی کنش وی را در نظر نمی گیرد. بنابراین این نوع سنجش یک سنجش بی‌ربط است (پاسون ۱۹۸۹).

۲- سنجش اختیاری است. اختیای بودن سنجش ناشی از اتکاء روش غالب به تخیلات واژه‌های روزمره بعنوان منبع سنجش صوری است. یعنی اینکه ارزش‌های عددی نظام‌های سنجش معمولاً مبتنی بر دلالت‌های روزمره واژه‌ها است. فی الواقع زبان طبیعی فراهم کننده پایه عددی دل‌بخواه برای سنجش است (همان).

۳- سنجش مصنوعی است. مصنوعی بودن سنجش ناشی از خلق و اعمال معنی در فرایند ارتباط اجتماعی در مرحله جمع آوری داده‌ها است (همان). بعبارت دیگر وسایل جمع آوری داده نظیر پرسشنامه در مرحله جمع آوری، اغلب معانی مرتبه اول را قلب و مخدوش می سازد. ادعا می شود که در روش غالب چارچوب معنی که در فرایند جمع آوری داده عمل می کند، در واقع چارچوب معنی محقق است و نه پاسخگو یا سوژه تحقیق.

۴- سنجش انتخابی است. انتخابی بودن سنجش ناشی از بارداری مقولات مشاهده‌ای از اندیشه‌های نظری است. منتقدین ادعا می کنند که واژه‌های زبان مشاهده‌ای یا طبیعی فارغ از دلالت‌های تئوریک نیستند. لذا مقولات و مفاهیم بدون تعهد تئوریک نیستند، از این جهت پژوهشگر با بکارگیری آنها با سوی گیری خاص تئوریک بعضی از پدیده‌ها را می بیند و برای مشاهده و سنجش انتخاب می کند و بعضی را بطور ضمنی برای مشاهده و سنجش حذف و یا سانسور می نماید (کیت و اوری ۱۹۷۵، پاسون ۱۹۸۹).

۵- بنا به درک خاص از علیت که همانا علیت مکانیکی یا ترتب هیومی است، جامعه‌شناسی تجربی صرفاً به تحلیل همبستگی بین متغیرها می پردازد و در واقع روابط بیرونی متغیرها را مطالعه می کند. از لحاظ تجربی توجهی به روابط درونی متغیرها و مکانیسم‌ها و ساختارهای بنیانی ندارد (پیتزوپیکوک ۱۹۸۹، فارارو ۱۹۸۹، سایر ۱۹۹۲).

۶- در جامعه‌شناسی تجربی، اغلب واحدهای تحلیل را گروه‌های رده‌بندی

شده (Taxonomic groups) مثل گروه‌های شغلی، درآمدی، تحصیلی، سنی و احیاناً گروه‌های نهادی مثل گروه‌های مذهبی و قومی تشکیل می‌دهند (نه گروه‌های علی ساختاری یا به تعبیر دیگر گروه اجتماعی به معنی جامعه‌شناختی آن) (همان).
۷- انتقاد دیگر این است که جامعه‌شناسی تجربی در مواجهه با مسأله «کنترل» که یکی از مسائل مهم هر پژوهش علمی است، در اعمال کنترل روی متغیرها حتی بروش‌های آزمایشی کلاسیک چندان موفق نبوده است. که البته این انتقاد تا حدی ناشی از ماهیت جهان اجتماعی است که فی‌النفسه نظامی باز است.

نظریه رئالیستی روش‌شناختی

در وهله اول لازم است ببینیم رئالیسم برچه مفروضات اساسی استوار است.

- ۱- جهان مستقل از دانش ما از آن وجود دارد.
- ۲- دانش ما از جهان جایزالخطا است و حائز گرایش نظری (Theory-Laden) است.
- ۳- نوعی ضرورت در جهان اعم از طبیعی و اجتماعی، وجود دارد و موضوعات طبیعی و اجتماعی دارای استعداد یا قدرت علی هستند.
- ۴- جهان تفکیک به لایه‌هایی شده است که هر لایه از موضوعات و ساختارهایی تشکیل شده که خود حائز قدرت و استعدادی هستند که امکان تولید حوادث را دارند.
- ۵- پدیده‌های اجتماعی مانند کنش‌ها، نهادها و متن‌ها همگی دارای وابستگی مفهومی و معنایی هستند.

در واقع رئالیسم برخلاف پوزیتیویسم قائل به زبان دوگانه یعنی زبان مشاهده‌ای و زبان تئوریک نیست. بلکه همانند پدیدارشناسی و هرمنوتیک قائل به هرمنوتیک مضاعف برای علوم اجتماعی است. از دیدگاه رئالیسم، علوم اجتماعی مانند علوم طبیعی دارای اجتماع زبانی دانشمندان و محققین است که از مفاهیم و معانی خاص تشکیل شده و یا بهتر است گفته شود مفاهیم مرتبه دو. اما برخلاف علوم طبیعی، موضوعات علوم اجتماعی از اجتماع زبانی خاص خود تشکیل شده، یا به عبارتی از

مفاهیم مرتبه اول تشکیل یافته است. یعنی اینکه ما در علوم اجتماعی با واقعیات لخت مواجه نیستیم و مشاهدات ما نیز فارغ از گرایش مفهومی، معنایی و نظری نیستند (پاسون ۱۹۸۹، سایر ۱۹۹۲).

الگوی توضیح رئالیستی

با این توصیفات کلی از رئالیسم بینیم الگوی توضیح رئالیستی چیست. رئالیسم دارای درک ساختاری از علیت است و نظریه ترتب علی را برای توضیح پدیده‌ها وافی به مقصود نمی‌داند.

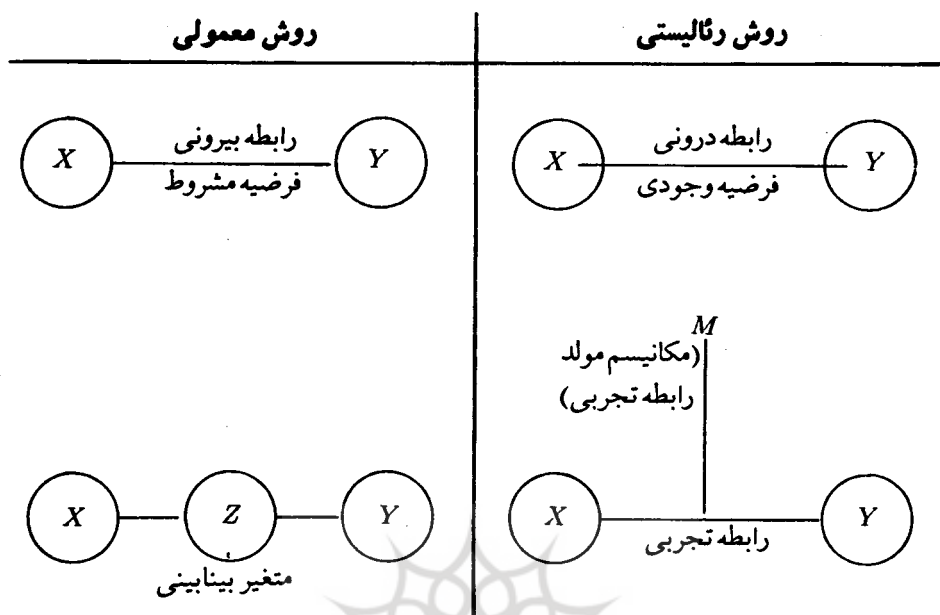
در واقع بجای اینکه سؤال شود سبب چیزی چیست، از دیدگاه رئالیسم بهتر است پرسیده شود که چه چیزی تولید چه چیزی می‌کند و چه مکانیسمی موجب ترتب تجربی می‌شود.

کانون توجه نظریه رئالیست روی روابط بین حوادث گسسته بعنوان علت و معلول نیست، بلکه توجه به قدرت یا استعداد (Liability) موضوع (object) تحت مطالعه دارد. بعبارت دیگر ساخت پدیده مورد مطالعه و «نحوه عمل» (مکانیسم) موجود در آن دارد (سایر ۱۹۹۲).

از این دید، ادعای علی راجع به یک نوع ترتب بین چیزها یا حوادث جداگانه نیست بلکه راجع به این است که یک چیز دارای چه ساختاری است، چه می‌تواند انجام دهد و چگونه عمل می‌نماید. در واقع «نحوه عمل کردن» یا مکانیسم موجود در موضوع شناخت مورد توجه است.

مثلاً هواپیما با توجه به شکل آئرو دینامیکی و موتورهایش می‌تواند پرواز کند. یک شرکت فرامیلیتی بنا به ماهیتش و مکانیسم عمل کردنش که همزمان در چند کشور با سطوح مختلف توسعه عمل می‌کند، می‌تواند محصولاتش را گران بفروشد و نیروی کار ارزان بخرد. آب بنا به ساختارش دارای قدرت علی برای اطفاء حریق است و اکسیژن در لایه‌ای دیگر از وجود دارای استعداد شعله‌ور ساختن آتش است. (همان) (برای روشن تر شدن مطلب می‌توانید به شکل ۲ مراجعه کنید).

درحالیکه در روش معمول فی‌الواقع تئوری بشکل ابزاری با مشبک



شکل ۲ - مقایسه مفاهیم علمی و نوع فرضیه‌ها و روابط در دو روش

(Reticular) مطرح می‌شود که در آن در هر قضیه روابط بیرونی یا همبستگی متغیرها مطرح است و بین قضا یا و مفاهیم ضرورت منطقی مطمح نظر است، در روش رتالیستی بمعنی اخص کلمه تئوری بشکل علی آن مطرح است. در این نوع توضیح بجای ضرورت منطقی، توجه به ضرورت‌های طبیعی و فرایندهای علی است. یعنی نظر به این است که ساختارها و مکانیسم‌های بنیانی مولد یک حادثه و یا ترتب بین حوادث و یا متغیرها چیست.

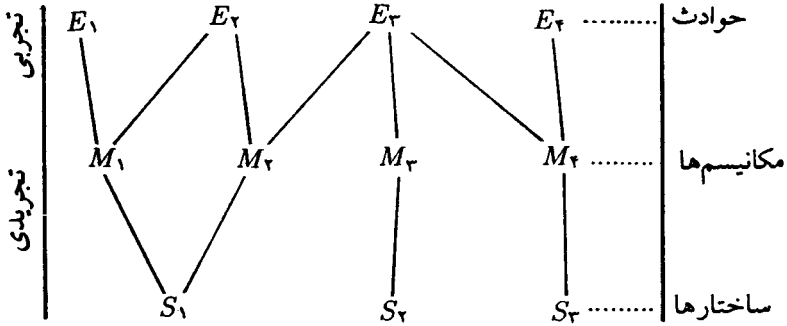
اجازه دهید موضوع را با ذکر دو مثال یکی در فیزیک و دیگری در جامعه‌شناسی دنبال کنیم. در فیزیک، توضیحی که قانون گازها براساس روابط بیرونی متغیرها نظیر حجم گاز، فشار گاز و دما مطرح می‌نماید از نوع روش معمولی است. اما نظریه مولکولی گازها یک نوع توضیح رتالیستی است. در این نوع توضیح گاز بعنوان یک سیستم بسته تلقی می‌شود و رفتار گاز و روابط منظم بین

حجم و فشار و دما توسط میزان و نحوه برخورد مولکولهای گاز توضیح داده می شود. در واقع مکانیسم مولد در اینجا کنش متقابل و برخورد مولکول های گاز است. (کیت و اوری ۱۹۷۵، پاسون ۱۹۸۹، سایر ۱۹۹۲).

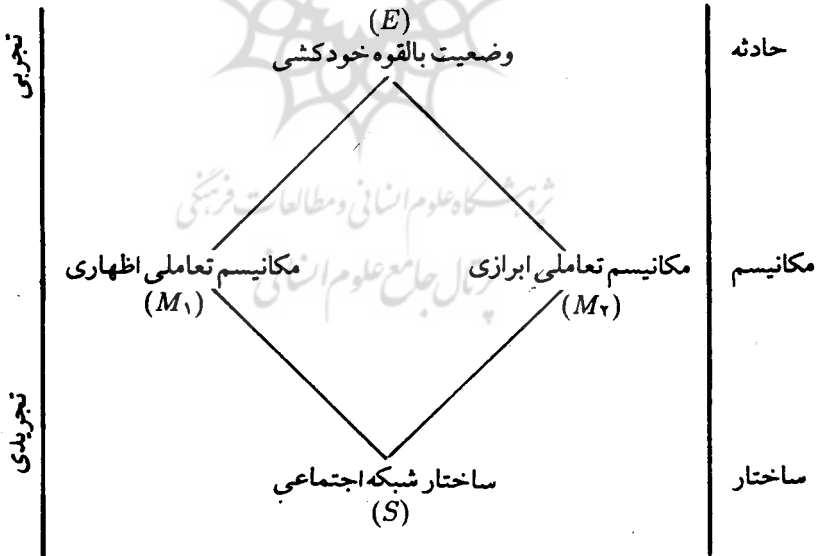
در جامعه شناسی، اجازه دهید بسراغ پدیده خودکشی برویم که یکی از موضوعات مورد علاقه دورکیم بوده است. در این جا بی مناسبت نیست اشاره شود که دورکیم یکی از جامعه شناسان کلاسیکی است که از لحاظ روش شناسی رئالیست هم بوده است. گرچه برخی او را بویژه با توجه به کتاب قواعد روش جامعه شناسی پوزتیویست می شناسند و بعضی با توجه به کتاب اشکال اولیه زندگی مذهبی او را رئالیست می شناسند و عده ای هم هر دو گرایش روش شناختی را در کارهای او می بینند. (فارارو، ۱۹۸۹).

گرچه نظریه خودکشی بصور مختلف بطور فرمال قابل تدوین است، اجازه دهید بعنوان مثال پدیده خودکشی را براساس مدل توضیحی همپل مطرح نمایم. شکل ۳ شکل کلی یک مدل توضیحی بروش معمول را نشان می دهد و خودکشی را طبق این مدل بعنوان مثال توضیح می دهد (کیت و اوری ۱۹۷۵، صص ۱۰ و ۸۷)

شکل کلی یک مدل توضیحی به روش رئالیستی (مدل توضیحی سایر)

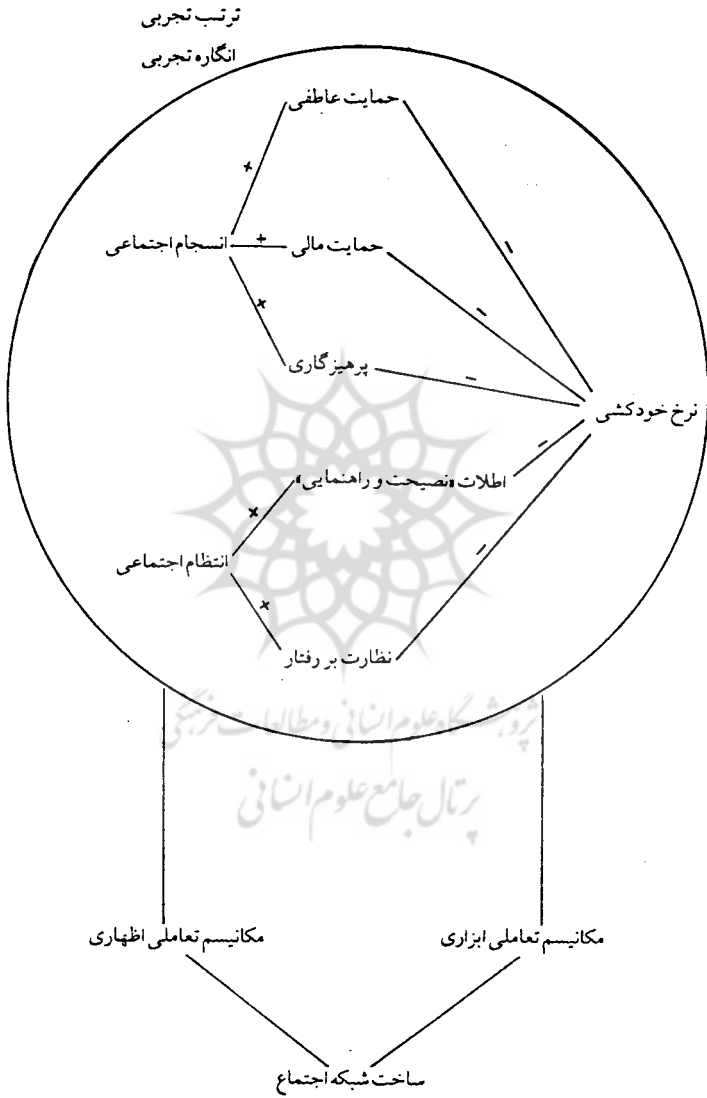


مثال خودکشی: (مدل توضیحی به روش رئالیستی)



شکل ۴ - شکل کلی یک توضیح رئالیستی و توضیح خودکشی بر اساس آن

شکل کلی یک توضیح بر اساس آن



شکل ۵- نمونه‌ای از یک توضیح رئالیستی خودکشی با تفصیل بیشتر

در رابطه با شکل ۳ لازم است توجه شود که در مثال خودکشی، یک متغیر از دو متغیر عمده نظریه خودکشی دورکیم مطرح شده است. در شکل ۴ بعنوان مثال شکل کلی یک مدل توضیحی بروش رئالیستی که سایر پیشنهاد می‌نماید، نشان داده شده است (سایر ۱۹۹۲، ۱۱۷). در قسمت دوم شکل ۴، توضیح خودکشی براساس مدل رئالیستی سایر، بعنوان نمونه، ارائه شده است. همانطور که در شکل ۴ پیدا است، در مدل توضیح رئالیستی سه عنصر اساسی مورد توجه است. یک حوادث و پدیده‌ها (E) که در سطح تجربی قابل مشاهده و دسترس پذیرند. دوم ساختارهای بینانی (S) و مکانیسم‌های موجود در آنها (M) هستند که به لحاظ نظری مسئول حوادث و روابط تجربی بین آنها شناخته می‌شوند. این ساختارها و مکانیسم‌های موجود در آنها در سطح تجربی قابل مشاهده نیستند. ولی بروش نظری و در سطح تجریدی بعنوان سازه‌های دومین بعنوان فرضیه‌های نظری قابل طرح می‌باشند.

در قسمت دوم شکل ۴ (پائین شکل) از دید دورکیمی ساختار اجتماع (Communal Structure) مطرح شده و بعنوان فرضیه، تعاملات ابزاری و اظهاری ساخت اجتماعی بعنوان مکانیسم‌های مولد در بعد اجتماعی همزمان بعنوان تسهیل کننده و مانع اجتماعی خودکشی تلقی شده‌اند. (شکل ۴)

شکل ۵ در مقایسه با شکل ۴، توضیح رئالیستی خودکشی را با تفصیل بیشتری، بعنوان نمونه، نشان می‌دهد. همانطور که از مثال اخیر (شکل ۵) ملاحظه می‌شود، دو متغیر عمده دورکیم یعنی انسجام اجتماعی (Social integration) و انتظام اجتماعی (Social Regulation) بعنوان دو متغیر مستقل در انگاره تجربی متغیرها آورده شده‌اند.

در این مثال اینطور گمانه‌سازی شده است که مسئول اساسی و بنیانی انگاره‌های تجربی متغیرها، مکانیسم‌های تعاملی و اظهاری هستند که در ساخت شبکه هر اجتماعی وجود دارند. نکته مهمی که باید خاطر نشان ساخت این است که دو نوع نظریه پوزتیویستی و رئالیستی ناقض یکدیگر نیستند، بلکه مکمل یکدیگر نیز می‌باشند. (شکل ۵)

الگوی معنی

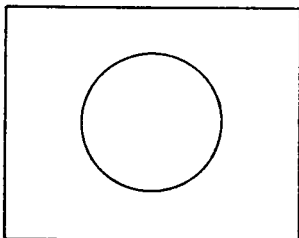
در روش متعارف اغلب پایه تعریفی مفاهیم جامعه‌شناختی مبتنی بر نظریه تعریف عملیاتی مفهوم یا نظریه بازسازی معنی است. طبق نظریه تعریف عملیاتی مفهوم، فرض بر این است که مفهوم دارای یک معنی مشخص است که همه از آن یک معنی را مراد می‌کنند. این نظریه ایرادات خاص خود را دارد که بیشتر انتقادات هرمنوتیک به نحوه سنجش براساس این نظریه قابل تأمل است. در نظریه دوم، فرض بر این است که مفاهیم دارای ابهامات و تناقضاتی هستند. در این نظریه محقق بدنبال معنی هسته‌ای یا نقاط اشتراک تعاریف مفهومی یک مفهوم است.

در استراتژی رئالیست، پایه تعریفی مفهوم مبتنی بر نظریه شبکه معنی (نظریه کل‌گرایی معنی) است. طبق این نظریه، تعریف یک مفهوم در رابطه با مفاهیم دیگر علی‌الخصوص مفاهیم گره‌ای جستجو می‌شود (پاسون ۱۹۸۹). منظور از مفاهیم گره‌ای مفاهیمی است که در اغلب نظریه‌های یک رشته علمی کم و بیش عضویت دارند و کم و بیش وفاق مفهومی برای آنها وجود دارد، اما مشکلی که در جامعه‌شناسی وجود دارد این است که آیا ما دارای مفاهیم گره‌ای هستیم که کم و بیش وفاق روی معنی آنها در چارچوب‌های تئوریک مختلف وجود داشته باشد. جواب این است که اگر چنین مفاهیمی داشته باشیم، تعداد آنها نسبتاً کم است. شاید بتوان مفاهیمی مثل گروه اجتماعی، سازمان اجتماعی، تحرک اجتماعی، تغییر اجتماعی، رابطه، ساخت، جمعیت، نابرابری اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی، تفکیک اجتماعی و انسجام اجتماعی و غیره را نام برد. مفاهیمی گره‌ای که می‌توانند بعنوان نقشه مفهومی جامعه عمل نمایند (همان). طبق این نظریه معنی، مفهوم باید در یک ساختار مفهومی (Conceptual Structure) در ارتباط با مفاهیم دیگر و مفاهیم گره‌ای تعریف شود (شکل ۶) (همان، ص ۲۲۹).

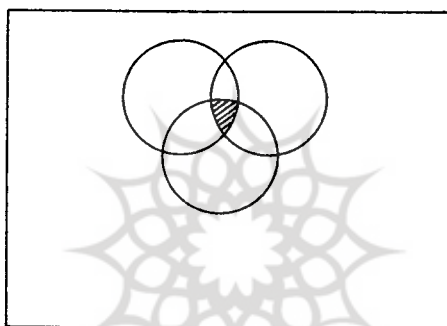
الگوی تأیید

شیوه تأیید نظریه جامعه‌شناختی در روش غالب مبتنی بر نظریه تطابق (Correspondence Theory) است. یعنی اینکه پژوهشگر با استفاده از زبان مشاهده‌ای و با مراجعه به داده‌های تجربی سعی می‌کند ببیند که نظریه مورد نظرش تا چه حد

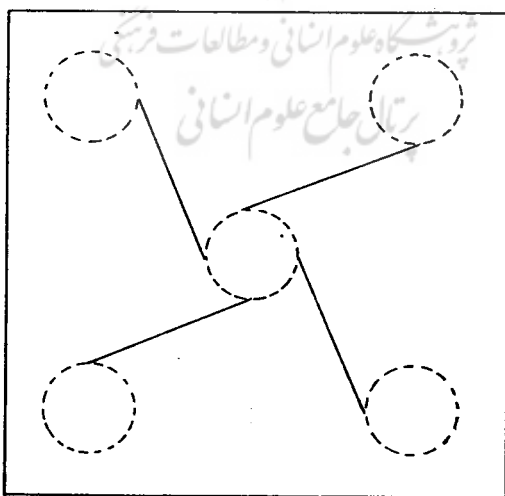
نظریه عملیاتی معنی



نظریه بازسازی معنی



نظریه شبکه (کل گرای) معنی



شکل ۶ - سه الگوی معنی

با داده‌های تجربی مطابقت می‌کند. در صورتیکه او جزء تأییدیه‌یون (Verificationist) باشد در صدد کسب تأیید بیشتر از جانب داده‌های تجربی برای تئوری مورد نظرش است. و در صورتیکه جزء ابطالیون باشد (falsificationist) باشد بدنبال شواهد تجربی جهت ابطال نظریه مورد نظرش می‌باشد. در هر دو حالت منتقدین ایراداتی را به این شیوه از آزمون تئوری وارد می‌دانند. همانطور که قبلاً گفته شد، ما فاقد زبان مشاهده‌ای بدون دلالت مفهومی و تئوریک هستیم. سنجش اغلب بی‌ربط، اختیاری، گزینشی و مصنوعی است. بهمین دلایل، محقق هرگز نمی‌تواند ایقان کامل نسبت به تأیید یا ابطال نظریه تحت تحقیق کسب نماید.

در روش رئالیست شیوه آزمون تئوری جامعه‌شناختی مبتنی بر نظریه قضاوت (adjudication Theory) است. طبق این نظریه بطور ساده می‌توان گفت که محقق همزمان دارای دو یا چند نظریه رقیب است که این نظریه‌های رقیب از طریق مفاهیم گره‌ای بهم مربوط می‌شوند. از این طریق تنها می‌توان با مراجعه به داده‌های تجربی برتری یکی از نظریه‌ها را نسبت به سایرین براساس داده‌های موجود قضاوت نمود. لازم به گفتن نیست که قضاوت در مورد برتری یک نظریه در مقایسه با سایر تئوریهای رقیب حاکی از تأیید یا رد نظریه مربوطه نیست (همان).

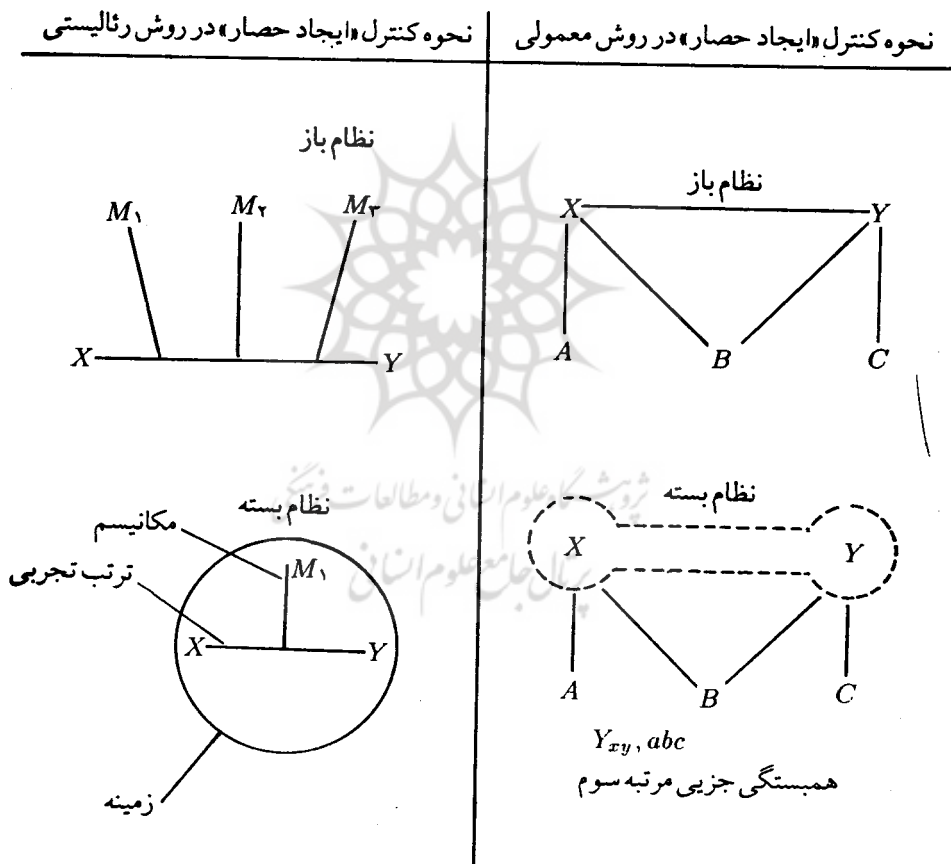
در واقع قضاوت بیشتر مبتنی بر کشف نقاط مشترک تئوریهای رقیب است و اینکه ملاحظه شود در نقطه مشترک تئوریها چگونه گمانه‌سازی و پیش‌بینی می‌نمایند و واقعیات تجربی به کدام گمانه و یا پیش‌بینی نزدیک‌تر است (همان).

الگوی کنترل

همانطور که قبلاً اشاره شد در طراحی هر تحقیقی مسأله کنترل متغیرها از اهمیت برخوردار است. یعنی در واقع برای بررسی رابطه بین دو یا چند متغیر لازم است محقق مجموعه متغیرهای خود را بعنوان نظامی از متغیرها از طریق نوعی کنترل بصورت مسدود در آورد تا بتواند رابطه آنها را بعد از کنترل اثرات سایر متغیرها بررسی نماید. در روش غالب اینکار معمولاً بدو روش صورت می‌گیرد. یکی بروش آزمایشی است و دیگری بروش آماری سعی می‌شود نظام بسته‌ای از متغیرها ایجاد شود. برای این منظور محقق لازم است، چه بروش آزمایشی یا آماری،

دانش نسبت به تمام عوامل علی بالقوه دیگر داشته باشد، که این امر عملاً امکان ندارد. شکل ۷ شمایی کلی از تفاوت بین کنترل بروش معمول با کنترل بروش رتالیستی را نشان می‌دهد (پاسون ۱۹۸۹، ص ۲۰۰ و ۲۰۳).

نیاز بیادآوری است که در روش رتالیستی ما بدنبال توضیح مولد هستیم یعنی اینکه بدنبال پیدا کردن مکانیسم یا مکانیسم‌های مولدی هستیم که موجب ترتب (رابطه منظم) بین دو یا چند متغیر می‌شوند. (شکل ۷)



شکل ۷- مقایسه کنترل در روش

بنابراین جهت ایجاد انسداد و کنترل، مفهوم آزمایش در روش رئالیستی معنای جدیدی بخود می‌گیرد. در حقیقت آزمایش بروش رئالیستی دارای دو وجه است: (۱) تولید آزمایشی، (۲) کنترل آزمایشی.

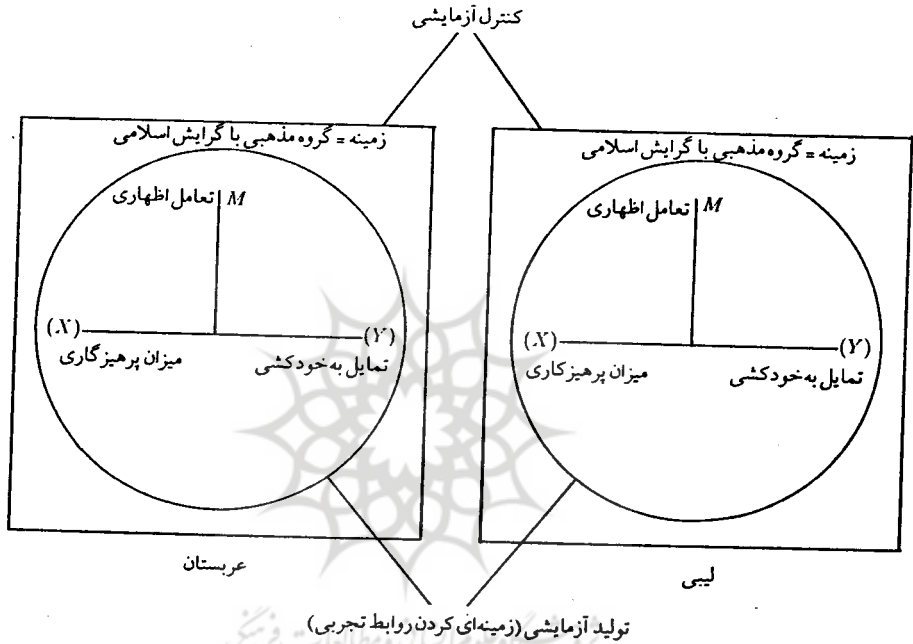
در تولید آزمایشی، مکانیسم بنیانی فعال می‌شود. در کنترل آزمایشی از مداخله سایر مکانیسم‌ها جلوگیری می‌شود. در جامعه‌شناسی، تولید آزمایشی یا فعال کردن مکانیسم مورد نظر در تئوری تنها از طریق لوکالیزه کردن عمل مکانیسم مورد نظر (مکانیسم توضیحی) در زمینه اجتماعی که انتظار عمل آن می‌رود، مقدور است. لذا لازم است زمینه اجتماعی و ویژگی‌های آن بدقت مشخص و تعریف شوند (همان)

برای اعمال کنترل آزمایشی یا بعبارت دیگر حذف مکانیسم‌های مزاحم در جامعه‌شناسی، چون امکان بکارگیری کنترل آماری به تنهایی مقدور نیست، می‌توان از روش‌های طولی یا تطبیقی و یا ترکیبی از ایندو استفاده کرد. یعنی بجای کنترل آماری از کنترل زمینه‌ای سود جست.

در واقع در یک تحقیق تجربی بروش رئالیستی ما از زمینه اجتماعی به مکانیسم (های) مولد و از آنجا به ترتبات تجربی می‌رویم. یعنی در تحقیق تجربی این سه یعنی زمینه اجتماعی، مکانیسم‌های مولد و ترتبات تجربی باید با هم تطابق پیدا کنند.

شاید با ذکر یک مثال جامعه‌شناختی این موضوع بیشتر روشن شود. فرض کنید میزان تمایل به خودکشی متغیر وابسته تجربی و میزان پرهیزکاری فرد متغیر مستقل تجربی باشند. ضمناً اجازه دهید براساس جامعه‌شناسی دورکیمی اینطور فرضیه پردازی شود که مسئول چنین ترتب یا رابطه تجربی مکانیسم تعامل اظهاری یا تعامل نمادی بعنوان یک مکانیسم مولد بنیانی باشد. و همینطور بدنبال دورکیم فکر کنیم که مکانیسم تعامل بویژه از نوع اظهاری آن مسئول انسجام اجتماعی و از ویژگی‌های اجتماع اخلاقی (و در واقع اجتماع مذهبی) است. لذا انتظار داریم که این نوع مکانیسم تعاملی بیشتر در گروه‌های مذهبی حضور فعال و مؤثر داشته باشد. از این جهت برای لوکالیزه کردن مکانیسم مزبور یا زمینه‌ای کردن رابطه تجربی بین تمایل به خودکشی و میزان پرهیزکاری، گروه‌های مذهبی را در نظر می‌گیریم. یعنی

با ایجاد محدوده زمینه‌ای مکانیسم توضیحی را باصطلاح فعال نموده‌ایم (تولید آزمایشی). ضمناً برای اینکه اعمال کنترل آزمایشی هم کرده باشیم، این رابطه تجربی را در گروه‌های مذهبی، با یک مذهب مشخص، مثلاً اسلام، در چند کشور با همان مذهب مثلاً کشورهای اسلامی عربی خاورمیانه مقایسه می‌کنیم. (شکل ۸)



شکل ۸ - نمونه‌ای از اعمال کنترل آزمایشی و تولید آزمایشی در یک طرح جامعه‌شناختی فرضی

طبق ادعای تئوری، می‌توان انتظار داشت که اولاً دامنه تغییر دو متغیر وابسته (تمایل به خودکشی) و مستقل (پرهیزکاری) هر دو محدود باشد. ثانیاً، میانگین متغیر وابسته در همه گروه‌های انتخابی در عرض کشورهای نمونه پائین باشد و بالعکس میانگین متغیر مستقل بالا باشد. ثالثاً واریانس هر دو متغیر در همه گروه‌های مذهبی در عرض کشورهای نمونه پائین باشد. خامساً، در همان گستره محدود متغیرها، رابطه بین دو متغیر معکوس باشد، ولو میزان آن ضعیف باشد. در صورتیکه این انتظارات (پیش‌بینی‌ها) مورد حمایت تجربی واقع شد،

می توان استنتاج نمود که مکانیسم مولد بنیایی (مکانیسم توضیحی) آنها چیزی جز همان مکانیسم تعامل اظهاری مورد ادعای ثوری نیست. (شکل ۸)

الگوهای تولید داده

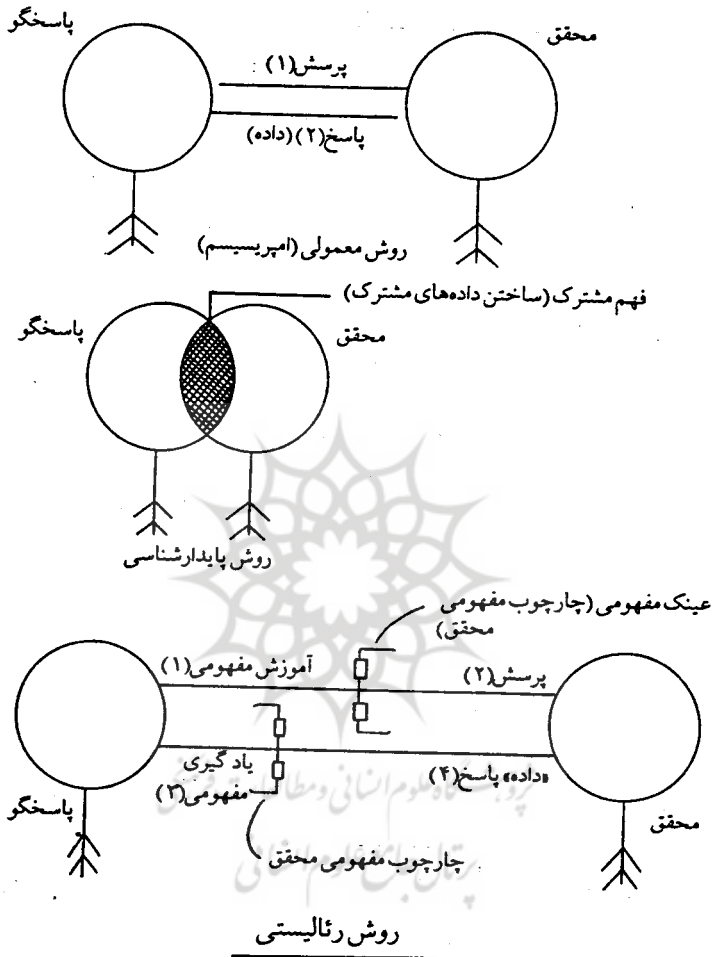
در روش غالب در جامعه شناسی تجربی، زبان مشاهده‌ای از زبان نظری جدا است و موضوع شناخت مستقل از فاعل شناخت تلقی می شود. با این حساب محقق فکر می کند بتواند از طریق مثلاً پرسشنامه سازمان یافته یا مصاحبه سازمان یافته، مجموعه‌ای سئوالات را مطرح نماید و انتظار دارد که پاسخگو نیز همان درک مفهومی از سئوالات داشته باشد و به پرسش‌ها پاسخ گوید. در این میان هر مونتیک و پدیدارشناسی معتقدند که چنین چیزی میسر نیست و فقط ما می توانیم تا آنجا که فهم مشترک بین محقق و پاسخگو اجازه می دهد به تولید و ساختن داده‌های مشترک باصطلاح کیفی از طریق مصاحبه غیرسازمان یافته پردازیم. (شکل ۹)

ولی همانطور که شکل ۹ نشان می دهد، طبق روش رئالیستی، ابتدا محقق از طریق پرسشنامه خود همزمان با آموزش چارچوب مفهومی و مفاهیم اساسی (سازه‌های مرتبه دو) خود به پاسخگو از او منی خواهد با استفاده از این مفاهیم فرا گرفته شده به موضوعات اجتماعی مورد نظر توجه کند و براساس مفاهیم آموخته شده پاسخ گوید (پاسون، ۱۹۸۹، ۲۹۰).

بهمین دلیل هم است که گفته میشود که در روش غالب پژوهشگر به جمع آوری داده می پردازد، در حالیکه در روش رئالیستی، محقق به تولید داده براساس چارچوب نظری خود می پردازد.

سنخ شناسی سایر

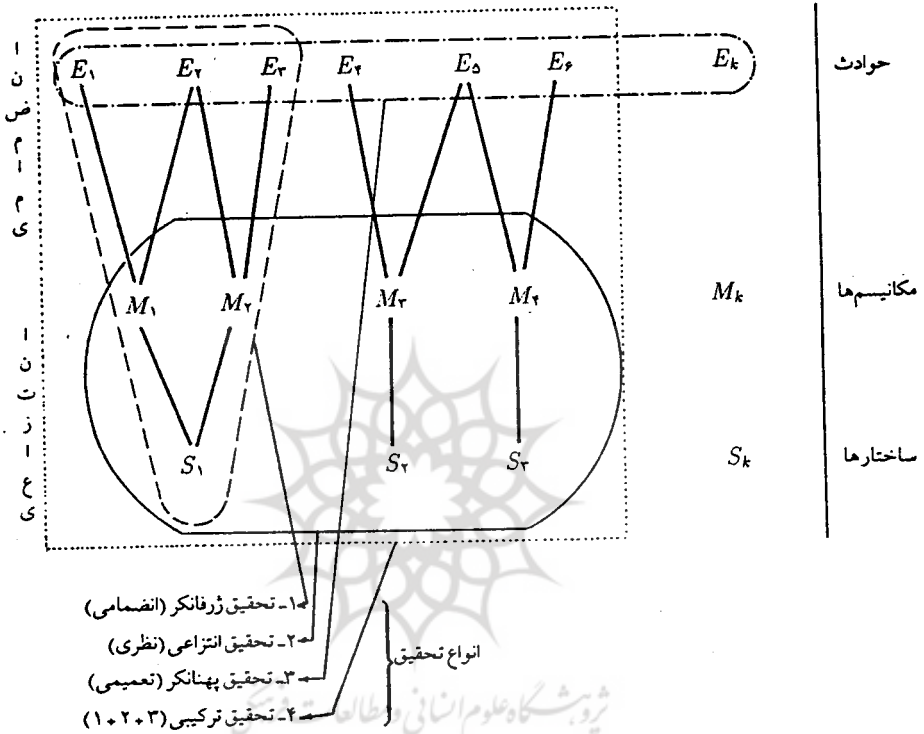
در پایان بی مناسبت نیست به طبقه بندی سایر از انواع تحقیق اجتماعی که برمبنای رهیافت رئالیستی و درک رئالیستی از ثوری صورت گرفته، اشاره شود. همانطور که شکل ۱۰ نشان می دهد، در این طبقه بندی پیشنهادی چهارنوع تحقیق از هم تمیز داده شده‌اند و همزمان روابط بین آنها نیز مشخص شده است (سایر



شکل ۹ - سه الگوی تولید داده

۱- تحقیق ژرفانگر (تحقیق انضمامی) intensive (Concrete) research تحقیق ژرفانگر حوادث و موضوعات اجتماعی را بصورت انضمامی آن مطالعه می‌نماید. موضوعاتی که ساخت و مکانیسم‌های موجود در آن، در نظریه‌ها و تحقیقات نظری مطرح و پیشنهاد شده‌اند. در این نوع تحقیق سؤال اصلی این است که چگونه یک

فرایند در یک مورد یا زمینه خاص عمل می‌نماید و تولید چه تغییری می‌کند و اینکه کنشگر اجتماعی چگونه عمل می‌نماید. روابط مورد توجه در تحقیق انضمامی



شکل ۱۰- سنخ‌شناسی سایر از انواع تحقیق

بیشتر جوهری است و معطوف به روابط درونی بین پدیده‌ها است. واحد تحلیل گروه‌های ساختاری یا به تعبیر جامعه‌شناختی آن از نوع گروه اجتماعی است. نوع تحلیل عمدتاً کیفی و تاحدی کمی است.

۲- تحقیق انتزاعی (نظری) Abstract Ceseach

تحقیق نظری توجه به ساخت و مکانیسم‌های ممکنه موضوع اجتماعی دارد، مثل نظریه‌های دولت، نظریه‌های اجتماع، نظریه‌های نهاد در جامعه‌شناسی، بررسی نظری ساختار و مکانیسم‌های مولد موجود در طبقه اجتماعی، بررسی نظری

ساختار اجتماع و مکانیسم‌های آن، بررسی ساختار نهاد و مکانیسم‌های آن و غیره از جمله تحقیقات نظری هستند.

۳- تحقیق پهنانگر (تعمیمی) Extensive Research

تحقیق پهنانگر تقریباً شبیه به نوع تحقیقات غالب در جامعه‌شناسی تجربی است. هدف این نوع تحقیق یافتن ترتبات و انگاره‌های تجربی بین حوادث و ویژگیهای آنها یا متغیرهای تجربی است. سؤال اساسی این است که انگاره‌های مشترک و ترتبات تجربی متغیرهای مورد نظر چیستند؟ روابط مورد توجه در تحقیق پهنانگر بیشتر منطقی و صوری (نه جوهری) است و معطوف به روابط بیرونی بین حوادث و متغیرها می‌باشد. یعنی در واقع این روش در صدد پیدا کردن نقاط اشتراک و افتراق واحدهای تحلیل براساس مجموعه‌ای از صفات مورد نظر است. واحد تحلیل عموماً گروه‌های رده‌بندی شده (Taxonomic groups) است مثل: گروه‌های درآمدی، شغلی، جنسی، سنی و غیره. نوع تحلیل عمدتاً کمی و آماری است.

۴- تحقیق ترکیبی Synthetec Research

این نوع تحقیق ترکیبی سه نوع تحقیق فوق‌الذکر است. هدف تحصیل ترکیبی توضیح اجزاء عمده نظام‌های کل است. این نوع تحقیق بیشتر راه مطالعه سیستم‌های کلان اجتماعی مثلاً در جامعه‌شناسی تاریخی قابل تصور است. شاید بکارگیری یک رهیافت میان رشته‌ای در یک تحقیق ترکیبی بیشتر مؤثر واقع شود.^۱

منابع

- Bailey, Kenneth D. *Methods of Social Research*, New York, The Freepress, 1978
- Bates, F.L., W.G.Peacock, "Conceptualizing Social Structure" *American Sociological Review*, Vol. 54, No.4, 1489.
- Bhaskar, Roy, *A Realist Theory of Scienc*, Brighton, Harvester Press, 1978
- Fararo, Thomas I., *The Meaning of General Theoretical Sociology*, Newyork, Cambridge University Press, 1989.
- Fay Brian, *Social Theory and Political Practice*, New York, Holmes and Meier, 1975
- Habermas Jürgen, *On The Logic of The Social Sciences*, Cambridge, Polity Press 1988.
- Harre R. and P.F. Secord, *The Explanation of Social behavior*, oxford, Blackwell, 1972.
- Harre, Rom, *Social Being*, oxford, Blackwell, 1974.
- Hesse, Mary, *The Structure of Scientific inference* London, Macmillan, 1974.
- Keat Russell, John Urry, *Social Theory as scienc*, London, Routledge, 1975.
- Neuman, W. Lawrence, *Social Research method*, London, Bacon, 1991.
- Outhwaite, William, *Concept formation in Social science* London, Routledge, 1983.
- Pawson, Ray, *A measure For Measures*, London. Routledge 1989.
- Sayer, Andrew, *Methods in social science (2nd Edition)*. London, Routledge, 1992.
- Walizer, M.H., P.L. Wienir, *Research Methods and Analysis*, New york, Harperm 1978.
- Wright, Erik olin, *class, Crisis and the state*, London. NLB, 1978.
- Wright, Erik Olin, *Class structure and income Determination*, New York, Academic Press, 1979.